



ORIGINAL RESEARCH PAPER

A critical review of the subrogation lawsuit in the compulsory insurance of accidents caused by vehicles

A. Ghesmati Tabrizi*, S. Tajour

Department of Private Law, Faculty of Humanities, Semnan University, Semnan, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 18 July 2018

Revised: 16 August 2018

Accepted: 26 August 2019

Keywords

Compulsory Insurance; Physical Injuries Compensation Fund; Subrogation Action; Substitution; Compensation.

ABSTRACT

Purpose: The present article seeks to explain the state of Iran's insurance law and its developments in the field of proxy in traffic accidents, and taking into account the problems of insurance companies and the Bodily Damage Fund in recovery of damages, it shows that proxy in traffic accidents is not implemented in principle.

Methodology: The current research is a comparative study that was compiled using the library method and referring to legal texts and related sources.

Findings: Disadvantages and difficulties of subrogation in the "Compulsory insurance law for damages caused to third parties due to accidents caused by vehicles" make it possible to achieve the desired results of subrogation and the amount of recovery of damages is negligible. On the other hand, due to the lack of timely and complete recovery of damages, we cannot expect the ideal deterrence from the succession lawsuit in the mentioned incidents. Also, this lawsuit is not only not considered an effective source of financing for insurances and the bodily injury fund, but sometimes it also does not bring economic benefits. Despite the identification of the deputy official, the legislator has not considered an effective implementation guarantee for the recovery of damages.

Conclusion: Succession litigation should not be completely eliminated, but by reforming the vice-official method and arranging administrative succession and non-judicial measures, costs can be reduced and the fulfillment of the desired functions of succession can be left to institutions that are more suitable for this purpose.

***Corresponding Author:**

Email: ali_ghesmati@Semnan.ac.ir

DOI: 10.22056/ijir.2019.02.06



بررسی انتقادی دعوای جانشینی در بیمه اجباری حوادث ناشی از وسایل نقلیه

علی قسمتی تبریزی*، صفا تاجور

گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

چکیده:

هدف: مقاله حاضر به دنبال تبیین وضعیت حقوق بیمه ایران و تحولات آن در زمینه قائم مقامی در حوادث رانندگی است و با ملاحظه مشکلات شرکت‌های بیمه و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در بازیافت خسارت، نشان می‌دهد که قائم مقامی در حوادث رانندگی به صورت اصولی اجرا نمی‌شود. روش‌شناسی: پژوهش حاضر مطالعه‌ای تطبیقی است که با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به متون قانونی و منابع مربوطه تدوین شده است. یافته‌ها: معایب و دشواری‌های قائم مقامی در «قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه»، حصول نتایج مطلوب جانشینی را محتمل و میزان بازیابی خسارات را ناچیز می‌سازد. متقابلاً با عدم بازیافت به موقع و کامل خسارات، نمی‌توان بازدارندگی آرمانی را از دعوای جانشینی در حوادث مذکور انتظار داشت. همچنین، این دعوی نه تنها، منبع تأمین مالی موثری برای بیمه‌ها و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی محسوب نمی‌شود، بلکه گاه صرفه اقتصادی نیز به همراه ندارد. قانون‌گذار نیز علیرغم شناسایی قائم مقامی، ضمانت اجرای موثری برای بازیافت خسارت در نظر نگرفته است. نتیجه‌گیری: دعوای جانشینی نباید به طور کامل حذف گردد، اما با اصلاح شیوه قائم مقامی و تمهید جانشینی اداری و تدابیر غیرقضایی می‌توان هزینه‌ها را کاهش داد و تحقق کارکردهای مورد نظر جانشینی را به نهادهایی که برای این هدف مناسب‌تر هستند، واگذار کرد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۷ تیر ۱۳۹۷
تاریخ داوری: ۲۵ مرداد ۱۳۹۷
تاریخ پذیرش: ۰۴ شهریور ۱۳۹۸

کلمات کلیدی

بیمه اجباری
صندوق تأمین خسارت‌های بدنی
دعوای جانشینی
قائم مقامی
جبران خسارت

*نویسنده مسئول:

ایمیل: ali_ghesmati@Semnan.ac.ir

DOI: 10.22056/ijir.2019.02.06

حوادث رانندگی از جمله خطرات حاصل از پیشرفت فناوری است که، با توجه به نقش خودرو در زندگی کنونی، جوامع از آن مصون نیستند. کثرت این حوادث و زیان‌های ناشی از آن، این ضرورت را نشان می‌دهد که باید برای جبران سریع و کارآمد خسارت‌ها اقدام کرد، اما نظام مسئولیت مدنی به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخ‌گوی حمایت از خیل آسیب‌دیدگان این حوادث باشد. بخش عمده این نیاز به مدد‌نهادهای جایگزین یا تکمیلی مسئولیت مدنی همچون بیمه اجباری و صندوق‌های جبران خسارت، که در بسیاری از نظام‌های حقوقی تعریف شده‌اند، تحقق می‌یابد.

با وجود این، بیمه یا صندوق‌های جبران معایر مسئولیت مدنی نیستند و نظام سنتی جبران خسارت در مواردی که حادثه از رفتاری تقصیرآمیز ناشی می‌شود باید حفظ گردد. در تحقق این اصل، میان شیوه‌های جبران خسارت، سلسله‌مراتبی در نظر گرفته شده است و تقدم و تأخر هر شیوه را قانون مقرر می‌کند. در واقع هرچند که وفق قواعد عمومی مسئولیت باید بر عهده عامل زیان باشد، لیکن گاه قانونگذار، با هدف حمایت از زیان‌دیده، تدارک خسارت را بر نهادی عمومی یا خصوصی تحمیل می‌کند؛ اما اصولاً این جبران توسط ثالث باید اقدامی موقت، تدبیری جایگزین و بدل تعهد اصلی باشد؛ لذا بدیهی است که تدارک زیان توسط بیمه یا صندوق جبران خسارت، نافی حق مراجعه ثالث به عامل مقصر نخواهد بود.

هرچند این ضابطه در بیمه اجباری حوادث رانندگی دستخوش تغییراتی شده و موارد مراجعه به عامل حادثه محدود گردیده است، اما باز هم، تا حد امکان، این ضابطه به برکت جانشینی حفظ می‌شود. به‌رغم تأسیس نظام‌های جبران خسارت خارج از مسئولیت مدنی در حوادث رانندگی، دکترین جانشینی و امکان رجوع به عامل زیان با شکلی متفاوت در قانون «بیمه اجباری خسارت واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» به رسمیت شناخته شده است تا، در کنار تسریع و تسهیل جبران خسارت زیان‌دیدگان، بار نهایی جبران بر دوش مقصر حادثه گذاشته شود.

اما باید اذعان کرد، به‌رغم مزایای قائم‌مقامی، جانشینی در عمل نتوانسته آن‌گونه که باید نتایجی دلخواه به بار آورد. با تأمل در قانون بیمه اجباری (۱۳۹۵) مشخص می‌شود حتی در مواردی که قانون بر دامنه رجوع نهاد‌های جبران خسارت و تحمیل بخشی از مسئولیت بر رانندگان متخلف افزوده است، باز هم تدابیر اتخاذشده نمی‌توانند راهگشا باشند. در این مقاله، ضمن معرفی مختصر جانشینی و اهداف آن، انتقادات وارد بر دعوی جانشینی بیان می‌شود و با بررسی قانون یادشده میزان کارایی این تمهید در تحقق اهداف مطلوب و معایب آن ملاحظه می‌شود.

جانشینی در نهادهای جبران خسارت

جانشینی^۱ از قدیمی‌ترین مفاهیم حقوقی است که ریشه در حقوق روم دارد و در آغاز بر مبنای عقد ضمان ایجاد شد و گسترش یافت (ویکرت،^۲ ۲۰۱۴: ۱-۳). دکترین جانشینی از اواخر قرن هجدهم وارد حقوق انگلستان و قراردادهای بیمه شد (عباسلو، کرمی قهپی ۱۳۹۴) و متعاقباً راه خود را در حقوق آمریکا باز کرد و امروزه از قواعد اجتناب‌ناپذیر جبران خسارت شناخته می‌شود (هاسن،^۳ ۱۹۸۵: ۴۲۲). در اکثر نظام‌های حقوقی دیگر مانند ایران نیز این تمهید پیش‌بینی شده است تا بدین واسطه نظام مسئولیت مدنی حفظ شود و اهداف آن محقق گردد.^۴

اصل جانشینی، به‌عنوان قاعده‌ای کاربردی در حقوق بیمه، صرفاً در بیمه‌هایی مطرح می‌گردد که از اصل غرامت پیروی می‌کنند و در بیمه‌هایی که ماهیت سرمایه‌ای دارند مطرح نمی‌شود (میوه،^۵ ۱۹۹۹). حسب این اصل، بیمه‌گر ملزم است خسارت را جبران کند؛ لیکن نظر به اینکه مسئول حادثه مدیون نهایی غرامت است، بیمه‌گر، در مراجعه به مسئول حادثه و استرداد تمام یا بخشی از مبلغ پرداختی، قائم‌مقام

^۱. Subrogation

^۲. Wickert

^۳. Hasson

^۴. حسب ماده ۳۰ قانون بیمه (۱۳۱۶): «بیمه‌گر در حدودی که خسارات وارده را قبول یا پرداخت می‌کند، در مقابل اشخاصی که مسئول وقوع حادثه یا خسارت هستند، قائم‌مقام بیمه‌گذار خواهد بود.» البته مفهوم جانشینی در ماده اخیر با قائم‌مقامی در بیمه اجباری حوادث رانندگی این تفاوت را دارد که بر اساس ماده ۳۰ بیمه‌گر، برای بازیافت آنچه به بیمه‌گذار پرداخته است، به عامل زیان مراجعه می‌کند؛ زیرا خسارت وارده بر موضوع بیمه نتیجه فعل شخص ثالث است (ایزائلو، ۱۳۸۹). درحالی‌که در مواد ۱۴ و ۱۵ قانون بیمه اجباری عموماً بیمه‌گذار عامل زیان است؛ لذا بیمه‌گر خسارت زیان‌دیده را بر مبنای تکلیف قانونی پرداخت می‌کند و سپس، به قائم‌مقامی زیان‌دیده، به مسئول حادثه مراجعه می‌نماید.

^۵. Mayaux

ذی‌نفع (حسب مورد بیمه‌گذار یا زیان‌دیده) خواهد شد. با این تمهید، زمینه انتقال نهایی بار مسئولیت بر دوش عامل اصلی حادثه فراهم می‌شود و بیمه‌گر هزینه‌ها را از بیمه‌گذار مقصر خویش (در بیمه شخص ثالث) یا مقصر حادثه و بیمه‌گر وی (در بیمه مستقیم) مسترد می‌کند (میرز،^۱ ۱۹۷۳).

اصول و ملاحظات متعددی شالوده جانشینی را تشکیل می‌دهند که در صورت تخطی از آن‌ها قائم‌مقامی مورد نظر تحقق نخواهد پذیرفت. در این میان اصل غرامت و منع جبران مضاعف، چراغ راه جانشینی است. جبران خسارت زیان‌دیده منشأ و اصل اولیه تحقق قائم‌مقامی انگاشته می‌شود و مسلم است تا زمانی که بیمه‌گر غرامت را پرداخت نکند، حقی برای وی قابل تصور نیست و عنوان جانشین بر او صدق نمی‌کند (کپه،^۲ ۱۹۹۷)؛ زیرا جانشینی امری تبعی است و به معنای قائم‌مقامی بیمه‌گر از زیان‌دیده هنگام رجوع به مسئول حادثه (به میزان غرامت) است (رینالدی،^۳ ۱۹۹۴)؛ لذا، در پی جبران خسارت زیان‌دیده، تمامی حقوق او، در خصوص حادثه، به بیمه‌گر منتقل می‌شود و قربانی نمی‌تواند، از باب مسئولیت مدنی، مجدداً به عامل حادثه یا بیمه‌گر او مراجعه نماید. بدین‌سان، منع جبران مضاعف مکمل اصل غرامت محسوب می‌شود و هر دو هدفی واحد را دنبال می‌کنند (ویکرت، ۲۰۱۴: ۱-۴) تا در راه «ثروت‌های بادآورده» مانع ایجاد کنند (سایکز،^۴ ۲۰۰۱). در تصادفات رانندگی نیز چنانچه زیان‌دیده بیمه مستقیم داشته باشد، بیمه‌گر می‌تواند به جانشینی بیمه‌گذار، برای بازیافت تمام یا بخشی از آنچه پرداخت کرده است، به مقصر حادثه رجوع کند. جانشینی در بیمه مستقیم حوادث رانندگی غالباً قراردادی است و چون پذیرش آن توافقی است، قابل انصراف نیز خواهد بود (کیمبل، دیویس،^۵ ۱۹۶۲). این قائم‌مقامی قراردادی هنگامی محقق می‌شود که این حق صراحتاً به بیمه‌گر اعطا شده باشد (گرین‌بلت،^۶ ۱۹۷۷). براین‌اساس، جانشینی قراردادی «متعارف» نامیده می‌شود، زیرا به‌عنوان شرطی مرسوم در بیمه‌های اختیاری پیش‌بینی می‌شود.

متقابلاً چنانچه خودرو تحت پوشش بیمه شخص ثالث باشد، زیان‌دیده برای جبران خسارت به بیمه‌گر مسئول حادثه مراجعه می‌نماید و بیمه‌گر نیز می‌تواند، برای استرداد آنچه پرداخت کرده است، به بیمه‌گذار مقصر خویش مراجعه کند. پرداخت‌کننده ثالث،^۷ با هدف به اجراگذاشتن حقوق زیان‌دیده در برابر مسئول نهایی، جانشین وی می‌شود و اصطلاحاً «بیمه‌گر در کفش‌های زیان‌دیده می‌ایستد.» (ویال،^۸ ۱۹۹۲). بنابراین، جانشینی در بیمه شخص ثالث قائم‌مقامی یک شخص در جایگاه دیگری و با مجوز قانون است (سایکز، ۲۰۰۱).

در حقوق ایران، بیمه مستقیم حوادث رانندگی کم‌رونق است و جانشینی در موارد مشخص و حسب قانون پیش‌بینی شده است. این جانشینی قانونی به هیچ‌گونه قرارداد یا انتقال قانونی وابسته نیست و به همین علت در کشورهای نظیر آمریکا و انگلیس، جانشینی «عادلانه» نامیده می‌شود (ویکرت، ۲۰۱۴: ۱-۵). به عبارت دیگر، مسئولیت باید بر دوش عامل حادثه گذاشته شود و عادلانه نیست که پرداخت خسارت بر عهده نهادی باشد که نقشی در حادثه نداشته است. درواقع، جانشینی به‌وسیله اعمال خودکار قانون محقق می‌گردد (رینالدی، ۱۹۹۴) و چنانچه این اصطلاح به‌صورت مطلق استعمال شود، جانشینی قانونی مدنظر است (ویکرت، ۲۰۱۴: ۱-۵).

اهداف و مزایای جانشینی

جانشینی از حقوق بیمه‌گر است و چنانچه اصولی اعمال شود، کارکردهای حقوقی، اقتصادی و اجتماعی مفیدی را به دنبال خواهد داشت. این موارد را می‌توان در قالب احیای اهداف مسئولیت مدنی و تأمین مالی نهادهای جبران خسارت بررسی کرد:

^۱. Meyers

^۲. Caillé

^۳. Rinaldi

^۴. Sykes

^۵. Kimball & Davis

^۶. Greenblatt

^۷. شخص یا نهادی که تادیب غرامت را به‌واسطه تکلیف قانونی یا قراردادی در برابر زیان‌دیده عهده‌دار است و حق اقامه دعوی جانشینی را دارد (Tiers payeur) خوانده می‌شود (Vincent et Guillien, 2005).

^۸. Veal

احیای اهداف مسئولیت مدنی

برخی از مزایای جانشینی همسو با اهداف مسئولیت مدنی و ضامن کارکردهای جبران، کیفی و پیشگیری در نهادهای تدارک خسارت است (سوس،^۱ ۱۹۹۴). درحقیقت، با تفکیک جبران و کیفی، کارکرد اخیر با توسل به مسئولیت مدنی در دعوی جانشینی محقق می‌شود و هم‌زیستی نهادهای جبران و مسئولیت مدنی در قائم‌مقامی حقوق زیان‌دیده آشکار می‌گردد. به برکت نظریه قائم‌مقامی، نهادهای جبران خسارت همچون یک کل واحد در کنار یکدیگر ایفای نقش می‌کنند و مسئولیت دیگر منبع جبران نیست، بلکه اثر آن است که بر اساس آن، پرداخت‌کننده ثالث، پس از جبران خسارت زیان‌دیده، می‌تواند ادعای بازیافت غرامت کند.

الف) جبران خسارت: جبران مهم‌ترین هدف مسئولیت مدنی و از اصول جانشینی است. براین اساس، مبنای جبران خسارت، هر چه باشد، رافع تعهد عامل زیان نیست و درنهایت بار جبران از طریق جانشینی، بر عهده عامل حادثه قرار می‌گیرد و هدف مسئولیت مدنی نیز محقق می‌شود (ویکرت، ۲۰۱۴: ۱-۲۸).

ب) کیفی عامل زیان و بازدارندگی: تدارک زیان یگانه هدف مسئولیت مدنی و نهادهای جبران خسارت نیست و ملاحظات هم‌چون کیفی عامل زیان نیز مورد نظر است تا علاوه بر تحمیل نهایی زیان و بازدارندگی فرد از تکرار رفتار خطرناک، خسنودی زیان‌دیده نیز تأمین شود (هاسن، ۱۹۸۵: ۴۲۲)؛ همچنین محکومیت عامل زیان با توسل به جانشینی، سبب بازدارندگی واردکنندگان بالقوه زیان و کاهش حوادث تقصیرآمیز یا خسارت ناشی از بی‌احتیاطی خواهد شد (رینالدی، ۱۹۹۴).

تأمین مالی نهادهای جبران خسارت

جانشینی تأثیر مهمی در تأمین منابع مالی نهادهای جبران خسارت دارد و راهی برای کاهش هزینه‌های پرداخت‌کننده ثالث شمرده می‌شود (وینه،^۲ ۱۹۶۵). به‌ویژه، از آنجاکه موضوع بیمه خطری محتمل است که شاید در آینده واقع گردد؛ لذا هزینه واقعی اداره آن خطر نیز ناشناخته خواهد بود و حق بیمه‌ای که برای این وقایع ناشناخته پرداخت می‌شود یک پرداخت احتمالی است. فقط تجربه است که به‌مرور، با بررسی حق بیمه‌های جمع‌آوری‌شده، بازبافت‌های ناشی از جانشینی و درآمد حاصل از سایر منابع هزینه‌های واقعی را مشخص خواهد کرد (ویکرت، ۲۰۱۴: ۱-۲۸)؛ لذا یکی از مهم‌ترین دلایل توجیهی جانشینی کارایی اقتصادی و صرفه‌جویی در هزینه‌های جبران خسارت است. جانشینی آنچه را بیمه پرداخت کرده است باز می‌گرداند (گرین بلت، ۱۹۷۷) و سبب تثبیت حق بیمه‌ها می‌شود؛ زیرا هنگامی که شرکت بیمه هزینه‌های خود را بازبافت کند، این مبالغ را جزء منابع مالی خود لحاظ می‌کند و می‌تواند این ذخایر مالی را از طریق کاهش نرخ حق بیمه‌ها یا تثبیت آن‌ها به بیمه‌گذار مسترد کند.

همچنین با وجود اجباری بودن بیمه، از آنجاکه شماری از دارندگان خودرو بیمه‌نامه اخذ نمی‌کنند، صندوق‌هایی به منظور تدارک خسارت پیش‌بینی شده‌اند، که عهده‌دار جبران خسارت زیان‌دیدگان‌اند. نظر به اینکه عموماً منابع مالی این صندوق‌ها کفاف تأمین هزینه‌های آن‌ها را نمی‌دهد، جانشینی و درآمدهای بازبافتی ظهیر منابع مالی این نهادها نیز محسوب می‌شود (بند پ ماده ۲۴).

انتقادات وارد بر دعوی جانشینی

هرچند اندیشیدن در خصوص چرایی دکتترین جانشینی باارزش است، فقط توجه معدودی از نویسندگان را به خود جلب کرده است. تحت تأثیر قدمت نظریه قائم‌مقامی، این باور که جانشینی بخشی اجتناب‌ناپذیر از حقوق بیمه است بدیهی انگاشته می‌شود و طرح یا پذیرش انتقاد از آن را دشوار می‌کند؛ اما، به‌رغم مزایایی که برای جانشینی ادعا می‌شود، قائم‌مقامی بیمه‌گر معایب قابل توجهی دارد و در برخی نظام‌های حقوقی انتقاداتی را برانگیخته و جنبشی ضدجانشینی به راه انداخته است (ویکرت، ۲۰۱۴: ۱-۳۱). ایرادهای وارد بر دعوی جانشینی در رد اهدافی است که برای آن مطرح می‌شود و بررسی این موارد، که کارکرد دعوی جانشینی را صرف‌نظر از ادعاها و شیفتگی‌های صورت‌گرفته آشکار می‌سازد، ضروری است.

الف) هزینه‌بر بودن: غالباً جانشینی را یک منبع درآمد برای نهادهای جبران خسارت معرفی می‌کنند و برای آن نقش مؤثری در کاستن هزینه بیمه‌گر و تثبیت و کاهش نرخ حق بیمه قائل‌اند. این در حالی است که منتقدان جانشینی در انگلستان و آمریکا بر این باورند که با جانشینی و

¹. Sousse

². Viney

بازیافت هزینه‌ها ثروت بادآورده‌ای نصیب بیمه‌گران خواهد شد؛ چراکه دست بیمه‌گران در تعیین حق بیمه باز است و این امکان وجود دارد، که به‌رغم بازیافت خسارات، تغییری در نرخ حق بیمه‌ها اعمال نکنند (هاسن، ۱۹۸۵: ۴۱۶). همچنین هرچند با تمسک به جانشینی، هزینه‌ها بازیافت می‌شود، لیکن اطلاعاتی در این خصوص منتشر نمی‌گردد و این امر، علاوه بر ایجاد زمینه سوءاستفاده، سبب سردرگمی و بدبینی بیمه‌گذاران می‌شود.

در آمریکا بسیاری از قضات و حقوق‌دانان، مزایای جانشینی را نمی‌پذیرند و معتقدند چرا شرکت‌های بیمه باید بتوانند از طرفی حق بیمه را برای رویارویی با حوادث دریافت کنند و از سوی دیگر، هزینه‌هایی را که بیمه‌گذار مقصر به بار آورده است از وی بازستانند؟ به عقیده آن‌ها پرداخت غرامت برای بیمه‌گر آسان است؛ چراکه شرکت‌های بیمه برای انجام همین کار قرارداد می‌بندند و حق بیمه دریافت می‌کنند؛ لذا برخی محاکم آمریکا با این منطق که اگر کسی باید متحمل زیان شود، شرکت بیمه باید باشد که سال‌ها حق بیمه را دریافت کرده است، جنبشی ضدجانشینی به راه انداخته‌اند و چندین ایالت نیز قوانین ضدجانشینی را مقرر کرده‌اند (ویکرت، ۲۰۱۴: ۱-۲۹). تلاش نظام قضایی این کشور، که از دو دهه گذشته با جدیت بیشتری آغاز شده، برای مهار و محدود کردن جانشینی است.

از طرف دیگر، استدلال شده است که اگر جانشینی در کاهش نرخ حق بیمه نقش مؤثری ایفا می‌کرد، شرکت‌های بیمه با هدف جذب مشتری از آن استقبال می‌کردند؛ حال آنکه در کشورهایی که جانشینی قراردادی در حوزه بیمه حوادث رانندگی آن‌ها معمول است شرط جانشینی به‌ندرت در بیمه‌نامه‌ها پیش‌بینی می‌شود؛ همچنین طرح دعوی بازیافت غرامت نیز هزینه‌بر است و هزینه‌های جانشینی سبب افزایش هزینه بیمه و به تبع آن سبب بالارفتن حق بیمه می‌گردد (هاسن، ۱۹۸۵: ۴۲۳).

ب) عدم بازدارندگی: هرچند جانشینی عامل بازدارنده رفتارهای پرخطر محسوب می‌شود، اما این دعوا دشواری‌های متعددی نیز به همراه دارد. از طرفی استدلال می‌شود که بهتر بود شرکت‌های بیمه برای بازداشتن افراد از رفتارهای خطرناک به جای مراجعه به بیمه‌گذار مسئول، بر مبنای جانشینی، گام مؤثر و معقولی برای اجتناب از بیمه‌کردن افراد خطرناک برمی‌داشتند (هاسن، ۱۹۸۵: ۴۲۴)؛ زیرا منعقدنکردن بیمه با این گروه خطرناک می‌تواند نقش مؤثرتری در بازدارندگی داشته باشد، به جای اینکه مقصران بیمه مسئولیت شوند و سپس با توسل به جانشینی به آن‌ها رجوع کرد.

از سوی دیگر، قائم‌مقامی نمی‌تواند داعیه تحقق کارکردی هنجاری را داشته باشد. زیرا هرچند دعوای جانشینی مبتنی بر تقصیر است؛ اما توجه به تقصیر به معنای احیای کارکرد اخلاقی مسئولیت مدنی نخواهد بود. با رجوع به عامل زیان عملاً تعهد جبران از گروهی که برحسب قانون تعیین شده‌اند به شخص یا گروه دیگری که به‌موجب قانون یا قرارداد اختیار شده‌اند منتقل می‌گردد؛ لذا معمولاً دعوای جانشینی فقط راهی است که هزینه جبران خسارت را به گروه بیمه‌شدگان منتقل می‌کند (وینه، ۲۰۰۷). از این‌رو کشورهایی نظیر انگلستان و کانادا، در زمینه بیمه وسایل نقلیه موتوری، به دنبال بازیافت از طریق جانشینی نیستند (هاسن، ۱۹۸۵: ۴۲۳). در سوئد نیز جانشینی در موارد سهل‌انگاری و تقصیر عادی منسوخ گردیده است؛ لیکن با صلاح‌دید محتاطانه هنوز مجوز حذف پیدا نکرده و به برخی تخلفات عمدی محدود شده است (هاسن، ۱۹۸۵: ۴۲۸).

جانشینی نهادهای جبران خسارت در قانون بیمه اجباری (۱۳۹۵)

در اکثر نظام‌های حقوقی سلسله‌مراتبی میان نهادهای تدارک خسارت تعبیه شده است تا بار نهایی جبران بر دوش عامل حادثه گذاشته شود. در حقوق ایران نیز، هرچند به منظور حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی نهادهای بیمه اجباری و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی تأسیس شده‌اند، اصولاً جبران خسارت توسط این نهادها خودکار نیست و رابطه مسئولیت میان جبران‌کننده ثالث و عامل حادثه حفظ می‌گردد و این نهادها در مواردی می‌توانند با توسل به جانشینی به مسئول حادثه مراجعه کنند.

جانشینی در قانون بیمه اجباری در موارد معین و با حصول شرایطی اعمال می‌گردد و دچار تحولات متعددی گشته است. علت این تحولات رجوعی را باید در تغییرات مبنایی قانون جست‌وجو کرد؛ زیرا تا تحول مبنایی و پایه‌ای صورت نگیرد تغییر ساختاری و رجوعی محقق نخواهد شد. بر خلاف قانون «بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری در مقابل شخص ثالث» (۱۳۴۷)، که یک قانون مسئولیت بود و بیمه در آن به‌صورت فرعی مطرح می‌گردید، قانون «اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی» (۱۳۸۷) به سمت مبنایی اجتماعی پیش رفت و جبران خسارات خارج از گستره مسئولیت مدنی توسعه یافت. درحقیقت، عامل سببیت جای خود را به عنصر مداخله داد و به‌صرف دخالت اتومبیل در حادثه، جبران خسارت امکان‌پذیر شد.

متعاقباً قانون «بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» در سال ۱۳۹۵ با رویکردی کاملاً حمایتی و با افزایش تعهدات بیمه‌ها و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به تصویب رسید. اما یک قانون حمایتی زمانی می‌تواند مؤثر و قابل بقا باشد که علاوه بر حمایت از زیان دیده، شرایط و منابع نهادهای متکفل را نیز در نظر بگیرد تا بین هزینه‌ها و منابع دریافتی تعادل برقرار شود. افزایش حمایت از زیان دیدگان اگر به نهاد دیگری آسیب وارد کند، توجیه‌پذیر نیست و ایفای تکالیف حمایتی را نیز با مشکل مواجه می‌کند. با توجه به اینکه بررسی عملکرد مالی شرکت‌های بیمه پس از اجرای قانون ۱۳۸۷ زیان‌ده بودن این رشته بیمه‌ای را نشان می‌داد و ادامه این روند شرکت‌های بیمه‌ای را با مشکلات عدیده مواجه می‌کرد (پژوهشکده بیمه، ۱۳۹۴)، قانونگذار برای گسترش و تأمین بیشتر حق جانشینی بیمه و صندوق اهتمام ورزید.

باید توجه داشت که بر خلاف جانشینی در بیمه اموال (ماده ۳۰ قانون بیمه)، رجوع بیمه‌گر به بیمه‌گذار یا جانشینی صندوق تأمین خسارات بدنی در حوادث رانندگی، امری استثنایی است و نیاز به تصریح قانونگذار دارد؛ اما قبل از اشاره به این موارد (که بیمه یا صندوق جانشین زیان دیده می‌شود)، باید توجه داشت که اصولاً حسب ماده ۱۶ قانون بیمه اجباری، چنانچه حادثه ناشی از عواملی نظیر نقص راه، نبود یا نقص علائم رانندگی، نقص تجهیزات یا عیب ذاتی وسیله نقلیه، ایجاد مانع توسط دستگاه‌های اجرائی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی باشد، بیمه‌گر یا صندوق می‌تواند برای باز یافتن به مسببان ذی‌ربط، برحسب درجه تقصیر، مراجعه کند.

موارد مراجعه بیمه‌گر به مسئول حادثه

بیمه‌گر می‌تواند برای گرفتن بخشی از غرامت یا کل آن به مسبب حادثه مراجعه کند:

رجوع جزئی و خفیف: ماده ۱۴ قانون ۱۳۹۵ که جایگزین ماده ۵ قانون «اصلاح قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه» شده است، با ابتکاری قابل تأیید، سابقه تخلفات مسبب حادثه را در حقوق بیمه‌گر مؤثر دانسته است. حسب این ماده، در حوادث رانندگی منجر به جرح یا فوت،^۱ که علت اصلی تصادف یکی از تخلفات رانندگی حادثه‌ساز باشد، بیمه‌گر مکلف است خسارت زیان دیده را بدون هیچ شرط و اخذ تضمین پرداخت کند و پس از آن می‌تواند حسب تکرار تخلفات حادثه‌ساز، بابت ۲/۵ تا ۱۰ درصد خسارات بدنی و مالی پرداخت شده، به راننده مسبب مراجعه نماید.

رجوع کلی و شدید: حسب ماده ۱۵ قانون اخیر (در راستای ماده ۶ قانون سابق)، بیمه‌گر در موارد ذیل می‌تواند به قائم‌مقامی^۲ زیان دیده برای تمام یا بخشی از وجوه پرداخت شده به عامل خسارت مراجعه کند:

- اثبات عمد مسبب در ایجاد حادثه؛

- رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان مؤثر در وقوع حادثه؛^۳

- راننده مسبب، فاقد گواهینامه باشد یا گواهینامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد؛

- راننده مسبب وسیله نقلیه را سرقت کرده یا از مسروقه بودن آن آگاه باشد.

در این موارد، اساساً خطری برای پوشش بیمه وجود ندارد یا وفق اصول، مسئولیت حادثه منتسب به بیمه‌گذار نیست؛ لیکن بیمه برای حمایت از زیان دیده، مکلف شده است ضرر اشخاص ثالث را جبران و سپس به مقصر رجوع کند.

^۱ با وجود اهمیت خسارت‌های بدنی، موجه به نظر نمی‌رسد که قائم‌مقامی (حتی در خسارت‌های مالی) به جرحی یا فوتی بودن حادثه منوط شود. درحقیقت، جانشینی پیامد مالی پرداخت بیمه است نه اولویت‌بندی خسارت‌ها؛ لذا بهتر بود صرف تخلف حادثه‌ساز، حق رجوع بیمه‌گر را به دنبال داشته باشد.

^۲ تعبیر «قائم‌مقامی» بیمه‌گر، ابتدا در ماده ۶ قانون ۱۳۸۷ به کار رفت و پیش از آن (ماده ۵ قانون ۱۳۴۷)، فقط سخن از استرداد وجوه پرداخت شده توسط بیمه‌گر بود.

^۳ این امور باید در وقوع حادثه مؤثر باشد تا مبنای رجوع بیمه‌گر به مسئول حادثه تلقی شود. در این راستا، شعبه ۴۹ دادگاه تجدیدنظر تهران در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۵۰۰۲۹۰ مورخ ۹۲/۳/۸ اعلام کرده است: «تجدیدنظرخواهی شرکت بیمه ... وارد نیست. ... تجدیدنظرخواه علت طرح دعوی بدوی خود را رانندگی تجدیدنظرخوانده در حال مستی اعلام نموده که دادگاه بدوی با استدلال به اینکه چون مقنن تقصیر مؤثر در حادثه را ملاک نظر قرار داده و در آن علت تامه وقوع تصادف بی‌احتیاطی راننده سواری بوده و لذا صرف مستی تجدیدنظرخوانده نمی‌تواند موجب اقامه دعوی تجدیدنظرخواه باشد...» (مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر، ۱۳۹۲).

موارد جانشینی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی

قاعده کلی این است که صندوق در طول مسئول حادثه قرار گیرد و مسئول نهایی همان شخصی باشد که حادثه به وی منتسب است (خدابخشی، ۱۳۹۳). لذا اصولاً صندوق در کلیه مواردی که غرامت بپردازد، باید بتواند حسب مورد به مسئول حادثه و یا بیمه‌گر وی مراجعه کند؛ اما باینکه قانون جدید بیمه اجباری به‌طور چشمگیری بر تعهدات صندوق افزوده است، این نهاد نمی‌تواند در همه موارد به مسبب حادثه یا بیمه‌گر وی مراجعه نماید. این امر که سبب برهم خوردن توازن تعهدات و منابع تأمین مالی صندوق می‌شود، محل انتقاد است. موارد تعهد صندوق و امکان جانشینی را، با توجه به ماده ۲۵ قانون بیمه اجباری، می‌توان به شرح ذیل تفکیک کرد:

عدم امکان مراجعه صندوق برای باز یافت خسارات به مسبب حادثه یا بیمه‌گر وی (تبصره ۱ ماده ۲۵): در مورد کسری پوشش بیمه‌نامه به‌واسطه افزایش مبلغ ریالی دیه: صندوق، حسب ماده ۲۱، مکلف است مابه‌التفاوت مبلغ بیمه‌نامه و دیه را به نرخ یوم‌الادا جبران کند؛ اما نمی‌تواند برای باز یابی آنچه پرداخته است به مسبب و یا بیمه‌گر او مراجعه کند.

- در مواردی که خسارت زیان‌دیدگان خارج از وسیله نقلیه بیش از سقف تعهدات بیمه‌گر (ده برابر سقف تعهدات بدنی بیمه‌نامه) باشد، حسب تبصره ماده ۱۲، تا میزان تعهد بیمه‌گر به نسبت خسارت هر یک از زیان‌دیدگان بین آنان تسهیم و تفاوت خسارت بدنی هر یک از زیان‌دیدگان توسط صندوق پرداخت می‌شود؛ اما صندوق نمی‌تواند، بابت مبلغ پرداختی، به بیمه‌گر یا مسئول حادثه مراجعه کند.

- هنگامی که زیان‌دیده زن باشد، صندوق مکلف به پرداخت دیه مرد مسلمان است؛ اما برای باز یافت تفاضل دیه شرعی با دیه مرد مسلمان (حسب ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی) نمی‌تواند به عامل حادثه مراجعه کند.

رجوع امکان‌پذیر است: در سایر مواردی که صندوق حسب قانون عهده‌دار جبران خسارت باشد، اعم از انقضاء یا بطلان بیمه‌نامه، خارج از ظرفیت بودن سرنشینان وسیله مسبب حادثه، تعلیق یا لغو پروانه شرکت بیمه، صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر، شناخته‌نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه و شناسایی بعدی وی، صندوق می‌تواند حسب مورد به بیمه‌گر یا مسئول حادثه مراجعه کند.

نقد دعوای جانشینی در حوادث رانندگی در حقوق ایران

ایرادات جانشینی در حقوق ایران، به علت رعایت نکردن جانشینی اصولی، مضاعف است. علاوه بر این، فربه‌شدن نهادهای جبران، تعویض مکرر کارشناسان پرونده، مسامحه نمایندگان حقوقی در برابر مسئول حادثه، تمرکزگرایی در هدایت دعاوی، طولانی‌شدن جریان رسیدگی و ... جملی سبب می‌شوند که اگر شرکت بیمه یا صندوق بتواند حکمی به نفع خود تحصیل کند، باز هم متضرر واقعی رسیدگی قضایی باشد.

هزینه‌های جانشینی

به نظر می‌رسد که با توجه به رویکرد عملی شرکت‌های بیمه و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، جانشینی نمی‌تواند نقش مؤثری در کاهش هزینه نهایی جبران خسارت ایفا کند. از طرفی هزینه اقامه دعا^۱ یا پیگیری پرونده در مقایسه با نتیجه آن بالا است. به عبارت دیگر، همچون طرح و پیگیری دعوا، تخصیص نیروی انسانی کارآمد، شناسایی مسبب حادثه و اموال وی و ... سبب تحمیل بار مالی هنگفتی به شرکت‌های بیمه و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی می‌گردد. در کنار این هزینه‌ها، محتمل‌بودن باز یافت مخارج صرفه اقتصادی دعاوی جانشینی را به حداقل می‌رساند و بعید به نظر می‌رسد که قائم‌مقامی به‌صورت کنونی بتواند تأثیر بسزایی در تأمین منابع مالی و کاهش هزینه بیمه‌ها و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی داشته باشد. افزون بر این، با وجود صرف هزینه هنگفت، در برخی موارد خسارات قابل باز یابی نیست؛ به‌طوری‌که به دلیل متواری یا مجهول‌ال‌مکان بودن یا فوت مسئول حادثه و شناسایی‌نشدن ورثه و ... امکان وصول محکوم‌به میسر نخواهد بود؛ همچنین در صورت دسترسی به عامل حادثه ممکن است نهاد جبران‌کننده با اعسار وی مواجه شود.

نظر به این موارد، باید اذعان کرد که دعوای جانشینی، با توجه به هزینه‌ها و درنهایت وصول‌نشدن به‌موقع یا کامل مطالبات، صرفه اقتصادی ندارد و حتی گاه زیان‌آور است؛ مثلاً به‌رغم اینکه در قانون، جانشینی یکی از منابع تأمین مالی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی معرفی شده است؛ اما با توجه به بررسی‌ها، درآمد حاصل از باز یافت خسارت از مقرران حادثه تنها ۲ درصد درآمد کل صندوق را تشکیل می‌دهد که کمترین میزان در بین منابع درآمد است (پژوهشکده بیمه، ۱۳۹۴).

^۱ البته حسب تبصره‌های ۴ و ۶ ماده ۲۴، صندوق از هزینه دادرسی و اوراق و حق‌الاجراء و نیز سپردن تأمین و تضمین اجرای احکام غیابی معاف است.

با وجود ستایش جانشینی، به عنوان ابزار احیاگر اهداف جبرانی و هنجاری مسئولیت مدنی، نمی توان تحقق مطلوب آمال مورد نظر را از قائم مقامی انتظار داشت. جانشینی در صورتی می تواند وسیله ای مناسب برای حمل نهایی بار مسئولیت بر دوش عامل حادثه و بازدارندگی فردی و اجتماعی باشد که خسارت به میزان اثرگذاری از سوی مسئول حادثه پرداخت شود. باید توجه داشت که قانونگذار در رجوع جزئی به مسبب حادثه (ماده ۱۴)، مسئولیت راننده ای را که تخلف وی علت اصلی حادثه بوده (حسب مورد) به ۲/۵ تا ۱۰ درصد خسارات تأدیه شده توسط بیمه گر محدود کرده است که به نظر می رسد، با توجه به ناچیز بودن مبلغ قابل رجوع در برابر متخلف حادثه ساز، این تمهید ضمانت اجرای بازدارنده ای نباشد؛ لذا اگر تحمیل همه خسارت بر بیمه گذاری که به امید پوشش بی احتیاطی های احتمالی خود حق بیمه را تأدیه کرده است معقول نیست، متقابلاً متناسب نبودن این سقف مسئولیت برای متخلف حادثه ساز هم توجیهی ندارد.

علاوه بر این، حتی در مواردی که مراجعه به مسبب حادثه برای تمام خسارت ممکن باشد، با توجه به مشکلات متعدد، در عمل درصد کمی از خسارات از عامل حادثه مسترد می گردد.^۱ بدیهی است چنانچه مسئول حادثه در دسترس باشد و بتوان پس از طی مراحل طولانی بخشی از هزینه ها را به طور جزئی یا اقساط بدون بهره از وی بازیافت کرد، نمی توان انتظار داشت که دعوای جانشینی سهم مؤثری در تنبیه عامل زیان ایفا کند و بازدارنده محسوب شود. بی تردید چنانچه جانشینی نتواند بازدارنده رفتارهای زیان بار مسئول حادثه در آینده باشد، به طریق اولی نخواهد توانست از افعال زیان بار در سطح جامعه پیشگیری کند (خدابخشی، ۱۳۹۳).

دشواری وصول مطالبات

قانون جدید تمهیداتی برای وصول مطالبات جانشینی پیش بینی کرده که تدابیر مفیدی است و مؤثر واقع خواهد شد: تلقی اسناد مربوط به مطالبات بیمه و صندوق تأمین خسارت های بدنی در حکم سند لازم الاجرا (تبصره ۲ ماده ۱۵ و ماده ۲۶)، معافیت صندوق از هزینه دادرسی و حق اجرا (تبصره ۴ ماده ۲۴)، همچنین لزوم اطلاع شرکت بیمه و صندوق از جریان دادرسی (ماده ۵۰).

عموماً بیمه ها و صندوق، به علت دشواری مسیر قضایی و محتمل بودن دست یابی به نتیجه مورد نظر، برای توافق با مسئول حادثه به منظور بازپرداخت خسارات، تمام تلاش خود را می کنند؛ لیکن در صورت نبود توافق یا وصول نشدن مطالبات، از اقامه دعوا ناگزیر خواهند بود.

شیوه های متفاوتی مانند تقسیم بدهی نیز عموماً راه گشا نیستند؛ چراکه در صورت استنکاف بدهکار از تأدیه اقساط، ضمانت اجرای مؤثری برای وصول مطالبات وجود ندارد؛ حتی در مبالغ مختصر اگر مسبب حادثه از توافق یا پرداخت خودداری کند، چه در بیمه ایران^۲ (به منزله تنها شرکت بیمه دولتی)، با موافقت سرپرستی تهران در هر مورد خاص و چه در بیمه های خصوصی، به صلاح دید شعب، به ناچار از تعقیب مستنکف صرف نظر می شود؛ زیرا پیگیری پرونده نیازمند صرف هزینه ای است که در اکثر موارد از مبلغ قابل بازیافت بیشتر است. عملاً در بسیاری از موارد نیز با وجود صرف هزینه فراوان و جریان طولانی پرونده، چنانچه بازیافتی صورت گیرد، به طور کامل نخواهد بود. تا آنجا که با توجه به بررسی های میدانی مشخص می شود که ۴۰ درصد مطالبات در دعوای جانشینی به عللی همچون فوت عامل حادثه و عدم شناسایی ورثه، متواری یا مجهول المکان بودن عامل حادثه و نیز عدم تمکن مالی وی قابل وصول نیست و فقط حدود ۶۰ درصد از کل مبالغ، پس از طی مراحل طولانی قضایی، قابل وصول است.

این دشواری در مورد صندوق تأمین خسارت های بدنی هم وجود دارد. مضاف بر این، اکثر پرونده های صندوق در مواردی است که عامل حادثه متواری، ناشناخته یا مجهول المکان است و در عموم موارد صندوق نمی تواند خسارات پرداخت شده را وصول کند. شناسایی عامل حادثه

^۱ در ماده ۵ قانون سابق، بیمه گر تنها می توانست برای بازیافت ۱ درصد از خسارت های بدنی و ۲ درصد از خسارت های مالی پرداخت شده، به مسبب حادثه مراجعه کند.

^۲ به رغم منع قانون، برخی شرکت های بیمه، در وهله اول، خسارت های زیان دیده را کامل پرداخت نمی کنند و به تدابیری مانند توافق با زیان دیده برای رجوع به مسبب حادثه، رضایت زیان دیده بر مبلغ کمتر در قبالی ← → دریافت سریع غرامت، مذاکره مقصر حادثه با زیان دیده و کسب رضایت وی جهت صرف نظر از بخشی از خسارت ها برای تسهیل دریافت بقیه غرامت از بیمه گر متمسک می شوند که مغایر اصل جبران کامل خسارت است.

^۳ با وجود التزام بیمه ایران به تکالیف قانونی، نسبت به سایر بیمه ها، بازیافت مطالبات بیمه شخص ثالث در آن با مشکلات و موانع بیشتری مواجه است. این در حالی است که بیمه ایران، به واسطه قدمت و شهرتش، متقاضیان بیشتری برای رشته شخص ثالث و تصادفات دارد؛ به طوری که با اینکه تقریباً ۴۵ درصد حق بیمه شخص ثالث را به خود اختصاص می دهد، با زیان مواجه بوده است و فقط در سال ۱۳۹۲ بیش از ۵۰ درصد زیان صنعت در بخش شخص ثالث مربوط به این شرکت بوده است (پژوهشکده بیمه، ۱۳۹۴).

نیز مستلزم استعلام طولانی و هزینه‌بر و عموماً بی‌ثمر از ادارات ثبت، آگاهی و ... است تا شاید سرنخی از فرد متواری به دست آید؛ اما معمولاً این پرونده‌ها، بدون دستیابی به نتیجه، مختومه می‌شود.

لذا درحالی‌که انتظار می‌رفت قانون جدید بر مشکلات سابق تدبیری ببیند، قانونگذار ضمانت اجرای مؤثری برای بازیافت خسارات در نظر نگرفته است و بیمه و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در وصول مبالغ از مسئول حادثه با مشکلات متعددی مواجه می‌شوند. در رویه سابق، شرکت‌های بیمه و صندوق، در صورت دسترسی به عامل حادثه، تضمین‌های لازم را از وی اخذ می‌کردند تا از مشکلات بعدی جلوگیری گردد؛ لیکن قانون جدید بیمه و صندوق را مکلف کرده است، بدون اخذ هرگونه تضمین خسارت را جبران کنند که مسلماً این تکلیف بازیافت خسارت را دشوارتر خواهد کرد.

تمهیدات جایگزین و مکمل جانیشینی در حوادث رانندگی

ملاحظه می‌شود قائم‌مقامی در قانون بیمه اجباری حوادث رانندگی به صورت اصولی اجرا نمی‌شود و دستیابی به نتیجه مورد نظر آن محتمل و گاه ممتنع است. به نظر می‌رسد منشأ این مشکلات را باید در نگاه یک‌جانبه قانونگذار جست‌وجو کرد. در واقع با وجود پیش‌بینی حق جانیشینی، قانونگذار شرایط بازیافت خسارت را مهیا نکرده و ضمانت اجرای مؤثری برای استرداد مبالغ پرداختی در نظر نگرفته است. برای حل این ناکارآمدی، با در نظر گرفتن برخی راهکارهای عملی، شاید بتوان گره از برخی مشکلات موجود گشود:

- در برخی کشورها، شرکت‌های بیمه، در صورت وجود رابطه قراردادی با عامل حادثه، توافق‌های متقابلی با نهادهای متکفل جبران خسارت منعقد می‌کنند تا دعاوی جانیشینی حذف یا دست‌کم ساده گردند. وجود چنین قراردادهایی می‌تواند، ضمن کاهش دشواری‌های تعقیب عامل زیان، از بخشی از هزینه‌ها جلوگیری کند.

در رابطه‌ای که بین بیمه‌ها و نهادهای جبران خسارت، به منظور افزایش بیمه‌های مستقیم^۱ در زمینه حوادث رانندگی، برقرار می‌شود، می‌توان رجوع اداری بیمه‌گرها به یکدیگر را پیشنهاد داد. به گونه‌ای که تمامی اشخاص یا دست‌کم خودروها دارای بیمه حوادث رانندگی باشند و، در صورت وقوع حادثه، هر زیان‌دیده بدون مراجعه به مراجع قضایی مستقیماً به بیمه‌گر خود مراجعه نماید. بیمه‌گر زیان‌دیده نیز پس از جبران خسارت، حسب روابط حرفه‌ای و بدون نیاز به مراجعه به مسئول حادثه، با بیمه‌گر وی مواجه خواهد بود. متقابلاً بیمه‌گر عامل زیان نیز حسب ضوابط نظام حقوقی و با مراجعه به بیمه‌گذار مقصر خویش و از طریق افزایش نرخ حق بیمه وی یا رجوع مستقیم به او، مبلغ پرداختی را مسترد می‌کند (روسو، ۲۰۰۱). هرچند باید اذعان داشت که این تمهید فی‌نفسه مؤثر نیست و به حذف یا کاهش دعاوی جانیشینی نمی‌انجامد.

- مقرون‌به‌صرفه نبودن اعمال جانیشینی از طریق قضایی، با توجه به هزینه و زمان بازدهی، توجیهی برای تسهیل شیوه مسالمت‌آمیز و اداری اعمال حقوق قائم‌مقامی در برابر مسبب حادثه است. با وجود این، موافقت عامل زیان (بدون اقامه دعوی) برای استرداد مطالبات بیمه و صندوق نیاز به ضمانت اجرایی قانونی دارد. صرف‌نظر از تلقی اسناد مربوط به مطالبات بیمه (تبصره ۲ ماده ۱۵) و صندوق (ماده ۲۶) در حکم سند لازم‌الاجرا، پیش‌بینی تدابیر تأمینی مانند جلوگیری کردن نیروی انتظامی از تردد خودروی بیمه‌شده و ممکن نبودن تعویض پلاک به صرف درخواست بیمه یا صندوق، برای استهلاک بدهی یا تصفیه اقساط، تضمینی مفید و شایسته به نظر می‌رسد. در این راستا، نسخ ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی، توسط قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (۱۳۹۴) و حذف وسیله نقلیه از شمار مستثنیات دین نیز راه را بر توقیف و استیفای طلب نهاد جبران‌کننده هموار کرده است.

- در برابر ناتوانی دعاوی جانیشینی در تأمین اهداف مورد نظر، پیشنهاد محدود کردن این دعوی و انتقال کارکردهای پیشگیری و کیفر عامل زیان به نهادهایی که برای تأمین این اهداف مناسب‌ترند موجه به نظر می‌رسد. ضمن تمهید جانیشینی از راه اداری به جای شیوه قضایی، تشدید شرایط بیمه در صورت تقصیر بیمه‌گذار، پیش‌بینی فرانشیز و ... می‌تواند در تحقق این امر مؤثر باشد؛ به نحوی که، در کنار تقصیر مدنی و کیفری، تقصیر جدیدی با مشخصه انتظامی ظاهر می‌شود که تنبیه مقصر را ممکن می‌کند. این مفهوم جدید علاوه بر اینکه انعطاف‌پذیر است و می‌تواند با در نظر گرفتن توانایی‌های مالی و شخصیت عامل حادثه رفتارهای او را تنظیم کند، از قالب جرم یا ضمان قهری به چهارچوبی قراردادی منتقل می‌شود و پرداخت‌کنندگان ثالث، در کنار حمایت از قربانی با کیفر رفتارهای زیان‌بار، کارکردی پیشگیرانه را محقق می‌کنند. در این راستا دعاوی جانیشینی نیز حذف نمی‌شود و می‌تواند به صورت فرعی و به‌عنوان آخرین راهکار مؤثر باشد (سوس، ۱۹۹۴).

^۱ البته در ایران تمسک به بیمه مستقیم اختیاری زیان‌دیدگان راهکار مؤثری به نظر نمی‌رسد و با توجه به بیمه اجباری شخص ثالث و پیش‌بینی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی نیازی هم به آن احساس نمی‌شود.

^۲ Russo

- تأکید قانون بیمه اجباری (مواد ۱۸، ۴۱، ۵۳، ۵۴، ۵۵ و ۵۶) بر ایجاد «سامانه جامع حوادث» و دسترسی مراجع ذیربط به آن و همچنین تکلیف صدور بیمه‌نامه، حسب ویژگی‌های راننده، اقداماتی مؤثر در شناسایی و برخورد با عوامل حادثه‌ساز است؛ اما متأسفانه قانونگذار از ظرفیت این سامانه در بازیافت خسارات استفاده نکرده است. در خصوص بازیافت خسارت، مهم‌تر از ایجاد سامانه اطلاعاتی روزآمد، تکلیف بیمه‌ها به خودداری از انعقاد بیمه اجباری با متخلفان بدهکار نظام بیمه‌ای است که با حمایت مراجع قضایی و انتظامی می‌تواند در بازیافت مطالبات نهادهای جبران خسارت مؤثر باشد.

در حال حاضر، مسئول حادثه، که محکوم‌علیه واقع شده است، می‌تواند با آسودگی خاطر و فارغ از بدهی قبلی خود با بیمه‌گر دیگری قرارداد ببندد. علاوه بر ناآگاهی شرکت‌های بیمه از بدهی سابق بیمه‌گذار متخلف، رقابت در فروش بیمه‌نامه سبب می‌شود که در فقدان تکلیف قانونی، بیمه‌گر حساسیتی به بدهی قبلی دارنده خودرو به شرکت‌های رقیب یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی نداشته باشد. در صورتی که اگر هر شرکت بیمه به بانک اطلاعاتی متصل باشد و بنا به تکلیف قانونی از انعقاد قرارداد با بدهکاران نظام جبران خسارت حوادث رانندگی خودداری نماید، مسئول حادثه ناچار است، برای تردد با خودرو و تحصیل بیمه‌نامه اجباری، بدهی سابق خود را تصفیه کند و وصول بدهی بدهکار مستنکف نیز تسهیل و تسریع می‌گردد.

جمع‌بندی و پیشنهادها

جانشینی در حوادث رانندگی در ارتباط با زیان‌دیده، واردکننده خسارت و جامعه کارکردهای متعدد جبرانی و هنجاری دارد و در تأمین مالی نهادهای جبران خسارت نیز اثرگذار است. به‌رغم این، قائم‌مقامی ایراداتی اساسی دارد که با وجود آن‌ها نمی‌توان نتایج مفید چشمگیر از آن انتظار داشت. با بررسی‌های صورت‌گرفته مشخص می‌شود که جانشینی در حوادث رانندگی ایران اصولی نیست و لذا بیمه‌ها و صندوق جبران خسارت‌های بدنی در مراجعه به عامل زیان با دشواری‌های فراوانی مواجه می‌شوند و نتایج مالی و اجتماعی مؤثری که برای جانشینی پیش‌بینی شده است ابتر می‌ماند.

هرچند نمی‌توان دعوای جانشینی را کاملاً حذف کرد، اما با تمهید ضمانت اجرای قانونی می‌توان، در اکثر موارد، اعمال آن را به شیوه‌ای اداری تقلیل داد و اقامه دعوی را محدود کرد. پیش‌بینی تدابیر تأمینی غیرقضایی با مساعدت نیروی انتظامی، مانند تعویض‌نکردن پلاک و جلوگیری از تردد خودرو قبل از تصفیه بدهی یا تأدیه اقساط مقرر، راهکاری است که می‌تواند مسبب حادثه را به ایفای حقوق نهاد جانشین ملتزم کند؛ همچنین بیمه‌گر مسئول حادثه نیز می‌تواند برای بازیافت هزینه‌ها حسب ضوابطی، مانند افزایش حق بیمه در صورت تمدید قرارداد، به مسئول حادثه مراجعه نماید. این تمهید در وهله اول از مراجعه به مراجع قضایی می‌کاهد و از سوی دیگر بیمه‌گر، حسب مورد با مراجعه مستقیم یا افزایش نرخ حق بیمه عامل حادثه، بار هزینه را بر عهده متخلف می‌گذارد؛ همچنین تشدید شرایط بیمه توسط قانونگذار در صورت تقصیر، پیش‌بینی فرانشیز و ... نیز می‌تواند در تحقق این اهداف مؤثر باشد.

بدیهی است دسترسی شرکت بیمه به سوابق بیمه‌گذار هنگام انعقاد قرارداد، برای اطمینان از بدهی‌نداشتن بیمه‌گذار به شرکت‌های دیگر بیمه و صندوق و نیز شناسایی رانندگان حادثه‌ساز، ضروری است؛ در غیر این صورت و با توجه به خلأ موجود، رانندگان متخلف با وجود بدهی قبلی می‌توانند با شرکت بیمه دیگری قرارداد منعقد کنند؛ اما، در صورت آگاهی از سوابق این‌گونه رانندگان و با پیش‌بینی الزام قانونی، شرکت‌های بیمه موظف‌اند از انعقاد قرارداد با بیمه‌گذار بدحساب امتناع کنند و پوشش بیمه اجباری را به تصفیه بدهی متقاضی بیمه منوط نمایند. با الزامی کردن تصفیه بدهی‌های معوق مسئول اصلی حادثه به نهادهای جبران خسارت، قبل از تمدید بیمه اجباری یا انعقاد قرارداد جدید و تکلیف قانونی شرکت‌های بیمه به خودداری از انعقاد قرارداد یا اعمال تخفیف در قبال بدهکاران نظام بیمه، می‌توان به تحقق جانشینی اصولی امیدوار بود. با اصلاح ساختار جانشینی و ایجاد سامانه‌ای جامع در خصوص حوادث و سوابق بیمه‌ای و نیز اخذ تضمین مناسب از مسبب حادثه می‌توان موقعیت نظام جبران خسارت کشور را تقویت و تثبیت کرد و بر مشکلات موجود فائق آمد.

منابع و ماخذ

- ایزابلو، محسن (۱۳۸۹). شرط مخالف قائم‌مقامی بیمه‌گر. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۴۰(۴)، ۵۷-۷۷.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۳). بیمه و حقوق مسئولیت مدنی. تهران: انتشارات جنگل، جلد ۱.
- عباسلو، بخیار، کرمی قهی، محسن (۱۳۹۴). قاعده قائم‌مقامی در حقوق بیمه. پژوهشنامه بیمه، ۳۰(۱)، ۲۴۱-۲۶۸.
- پژوهشکده بیمه (۱۳۹۴). بررسی نتیجه عملیاتی بیمه شخص ثالث طی دوره اجرای قانون اصلاح قانون بیمه شخص ثالث ۹۲-۱۳۸۷، طرح

پژوهشی به سفارش بیمه مرکزی، انجام شده در گروه پژوهشی مطالعات اقتصادی و مالی، ش ۲۴.

- Caillé, Catherine., (1997). Assurances de dommages. Répertoire de droit civil, Dalloz, n° 135.
- Greenblatt, Jeffrey A., (1997). Insurance and subrogation: when the pie isn't big enough, who eats last?, *The University of Chicago Law Review*, 64(4), 1337-1366.
- Hasson, Reuben., (1985). Subrogation in insurance law- A critical evaluation. *Oxford Journal of Legal Studies*, 5(3), 416-438.
- Kimball, Spencer L.; Davis, Don A., (1962). The Extension of Insurance Subrogation. *Michigan Law Review*, 60(7), 841- 872.
- Mayaux, Luc., (1999). Assurances (terrestres). Répertoire de droit civil, Dalloz, n° 46.
- Meyers, James J., (1973). Subrogation rights and recoveries arising out of first party contracts. The Forum, Section of Insurance, Negligence and Compensation Law, American Bar Association. 9(1), 83-90.
- Rinaldi, Elaine M., (1994). Apportionment of Recovery between Insured and Insurer in a Subrogation Case. *Tort & Insurance Law Journal*, 29(4), 803- 817.
- Russo, Chantal., (2001). De l'assurance de la responsabilité à l'assurance directe. Dalloz.
- Sykes, Alan O., (2001). Subrogation & Insolvency. *The Journal of Legal Studies*. 30(2), 383-399.
- Sousse, Marcel., (1994). La notion de réparation de dommages en droit administratif français. L.G.D.J.
- Veal, Gregory R., (1992). Subrogation: the duties and obligations of the insured and rights of the insurer revisited. *Tort & Insurance Law Journal.*, 28(1), 69-89. Vincent, Jean et Guillien, Raymond. (2005). *Lexique des termes juridique*, Dalloz.
- Viney, Geneviève., (1965). Déclin de responsabilité individuelle, L.G.D.J.
- Viney, Geneviève., (2007). *Traité de droit civil, introduction à la responsabilité*. L.G.D.J, 3e édition.
- Wickert, Gary L., (2014). *Automobile Insurance Subrogation in All 50 States*. Juris Publishing, 2e Edition.